



هماندی‌ها و ناهماندی‌های شرکت تعاونی با شرکت سهامی

مهدی ندافیان^۱

چکیده:

درباره‌ای از قوانین وابسته به شرکت تعاونی، به کار بستن بخش‌هایی از آئین شرکت سهامی درباره آن روا دانسته شده است. همچنین ساختار شرکت تعاونی در بسیاری موارد، همسانی نزدیک با ساختار شرکت سهامی دارد. نوشته پیش رو با انگیزه شناساندن این همانندی‌ها و نیز ناهمانندی‌های میان شرکت‌های یاد شده به نگارش درآمده است.

واژگان کلیدی: شرکت تعاونی، شرکت سهامی، همانندی، ناهمانندی ساختار

مقدمه

از شرکت‌هایی که قانون تجارت ۱۳۱۱ آن را در شمار شرکت‌های بازرگانی آورده، شرکت تعاونی است. با بیشترین آئین‌های روائی یافته و تازه‌ترین آن، قانون بخش تعاونی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۰ خورشیدی است. اگرچه قانون سال ۱۳۱۱ در جایگاه نخستین آئین پدید آمده درباره این نهاد، تنها از دو گونه شرکت تعاونی یعنی شرکت تعاونی تولیدی و شرکت تعاونی مصرف نام برده است. اما قانون شرکت‌های تعاونی روائی یافته در خرداد ماه ۱۳۵۰ که هنوز بخشی از آن همراه با آئین تازه به کار برده می‌شود و هم قانون بخش تعاونی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، از گونه‌های دیگری که در چهارچوب این شرکت می‌توانند بنیانگذاری شوند. مانند شرکت‌های تعاونی

۱. وکیل پایه یک دادگستری.

کشاورزی و روستایی شرکت‌های تعاونی مسکن، شرکت‌های تعاونی اعتبار و ... می‌توان نام برد. این شرکت‌ها از ویژگی‌هایی برخوردارند که آنها را از دیگر شرکت‌های بازرگانی جدا می‌سازد. اما به هر روی در رده یکی از آنها محسوب می‌شوند.

چیستی شرکت تعاونی

شیوه درست برای سنجیدن دو چیز این است که پیش از هر کار، نخست چیستی و نهاد آنها شناسایی و آنگاه با هم سنجیده شود. و چون جستار فرارو از این هنجار بیرون نیست، بنابراین در خور حوصله گفتار، نوشته به آئینی که بایسته است آغاز می‌گردد.

الف: پیشینه تعاونی - برپایه نوشته‌ای (History of cooperative movement,)

Wikipedia, the free encyclopedia, p2) دیرینگی پدیداری همیاری یا تعاون (Cooperation) به زمانی برمی‌گردد که گونه‌های انسانی با انگیزه بهره‌وری دو سویه (mutual benefits) فراهم می‌آمدند، قبیله‌ها در چهارچوب تعاونی، سازمان می‌یافتند، کارها و سرمایه‌ها را میان خود تقسیم می‌کردند و تنها با قبیله‌های بیگانه داد و ستد بازرگانی انجام می‌دادند. از نگاه نویسنده‌ای هم 'سازمان‌های پیشه‌وران و کارگران صنایع دستی مصر در هزاره سوم پیش از میلاد، دستور حمورابی پادشاه بابل به کشاورزان آن سامان در زمینه آماده‌سازی کشتزارها برای کشت در چهارچوب تعاونی و همکاری نمودن با یکدیگر در گردآوری محصول به سال ۲۰۵۰ پیش از میلاد و نیز برپایه گونه‌ای تعاونی اعتبار در ۲۰۰ سال پیش از میلاد در چین، از نخستین نشانه‌های پاگرفتن تعاونی در جهان است. کوتاه این که چنین همکاری‌ها که از آغاز اجتماعی شدن مردمان پدید آمده بود و در درازای تاریخ دنباله داشته است از نگاه اقتصادی، دوره اول تعاونی یا دوره تعاونی اجتماعی شناخته می‌شود. و دگرگونی‌های بنیادین که از سده هجده میلادی یعنی آغاز انقلاب صنعتی اروپا، در زمینه تعاونی رخ داد و به برپائی پیروزمندانه نخستین نمونه شرکت‌های تعاونی امروزی در شهر روشدایل (Rochdale) انگلستان انجامیده، دوره دوم



تعاونی یا دوره تعاون صنعتی یا علمی نام دارد.^۱، به هر روی پدید آمدن این رویداد نوین و امدار تلاش و پایمردی بزرگ مردانی چون رابرت اون، دکتر ویلیام کینگ و شارل فوریه است. و در این میان نقش رابرت اون^۲ نیک اندیش و بهساز اجتماعی بریتانیایی که باور داشت جهان دلخواه آن است که تهی از تنگدستی، بزهکاری و بیماری باشد و بشر با زندگی برادروار می‌تواند به نیک بختی و پیشرفت دست پیدا کند از دیگران پر رنگ تر است. هم او بعد که واژه co-operation (همکای-تعاون) را در برابر واژه competition (هم چشمی) به کار گرفت.^۳ دربارہ چگونگی پدید آمدن نخستین شرکت تعاونی در جهان، گفتنی است در سال ۱۸۴۳ میلادی ۲۸ تن از کارگران کارخانه‌های شهر روشدایل انگلستان از شیوه پرداخت دستمزد خود ناخشنود بودند زیرا به جای دستمزد به آنان بن خریدی داده می‌شد. که با آن تنها می‌توانستند از فروشگاه‌های وابسته به کارخانه‌ها خرید کنند و کالاهای فروشگاه‌ها نیز چندان دلخواه نبودند، بر آن می‌شوند تا کالاهای مورد نیاز خود را خودشان تولید کنند تا از این راه هم کالائی دلپسندتر فراهم شود و هم سود بدست آمده از فروش آن را میان خود تقسیم کنند. یک سال بعد این اندیشه بجا آورده شد. و بدین گونه در سال ۱۸۴۴ میلادی نخستین نمونه از شرکت تعاونی‌های امروزی بنیاد گردید.

ب- تعاونی: در Wikipedia تعاونی چنین شناسانده شده است انجمنی خود گردان فراهم آمده از کسانی که به خواست خود برای برآورده شدن نیازها و خواسته‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش از راه برپایی شرکتی مشترک هم پیمان می‌شوند.
(ib-p1)^۴

۱. همان، ص ۲۷

2. 1771-1858 Robert Owen

۳. تعاونی به زبان ساده، حمداله رستمی شهر بابکی، نشر فرهنگ دهخدا، ص ۱۰

4. (ib-p1)

آنچه در قانون ایران برابر قانون تجارت، شرکتهای تعاونی و قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، روایی یافته به ترتیب در سالهای ۱۳۱۱، ۱۳۵۰ و ۱۳۷۰ خورشیدی برای شناساندن شرکت تعاونی آورده است همسان و یک دست نیست، زیرا در قانون تجارت ۱۳۱۱ نه شرکت تعاونی، بلکه تنها دو گونه از آن یعنی شرکت تعاونی تولید و شرکت تعاونی مسکن هر یک جدا جدا تعریف شده اند. و در ماده ۲ قانون شرکت‌های تعاونی، این شرکت چنین نمایانده می‌شود: شرکتی است از اشخاص حقیقی یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان موافق اصولی که در این قانون مصرح است تشکیل می‌شود. و واپسین قانون روایی یافته یعنی قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران پس از برشمردن انگیزه‌های (بخش تعاونی) به گونه‌ای که در بندهای ۹ گانه ماده ۱ آمده است. در ماده ۲ به این یادآوری بسنده می‌کند: شرکت‌هایی که با رعایت مقررات این قانون تشکیل و به ثبت برسند تعاونی شناخته می‌شوند. انگیزه‌هایی، که بیش از آنچه در راستای خواسته‌های پدید آورنده شرکت تعاونی باشد در شمار برنامه‌های دستگاه فرمانروایی برای سامان دادن به اقتصاد کشور است. به زبان دیگر با نگاه به بخش بندی سه گانه پایه‌های «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران» در اصل ۴۴ قانون اساسی ایران، شرکتهای تعاونی جدای از بخش خصوصی است. نگرش به قانون‌های یاد شده روشن می‌سازد که هر چند برابر نخستین نوشتار قانون روایی یافته تازه درباره شرکت تعاونی یعنی قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، وارون قانون شرکتهای تعاونی ۱۳۵۰ تنها شخص حقیقی می‌توانست هموند در شرکت تعاونی باشد لیکن در ویرایش انجام شده به سال ۱۳۹۳ با افزودن عبارت «حقوقی غیر دولتی» در ادامه عبارت «شخصی است حقیقی» در ماده ۸ آن قانون، این ناهمخوانی که به باور یکی از آگاهان حقوق در خور خرده‌گیری هم بود. از میان برداشته شد. البته باید گفته شود ویرایش نام برده از همه روی با آنچه در ماده ۲ قانون سال ۱۳۵۰ آمده بود همسان نیست. چرا که در قانون سال ۱۳۵۰ هموندی همه



گونه شخص حقوقی، اما در قانون تازه تنها هموندی (شخص حقوقی غیردولتی) در شرکتهای تعاونی روا دانسته شده است. از آنچه در قانونها و دانشنامه پیش گفته برای شناساندن شرکت تعاونی آمده است چنین برداشت می شود که انگیزه راه اندازی شرکت تعاونی، سرمایه گذاری و برپایی سازمانی فراهم آمده از گروهی همکار یا دارای منافع مشترک، برای از میان بردن نیازمندی هایشان در زمینه های گوناگون اجتماعی و اقتصادی همچون مسکن، کالاهای مورد نیاز و ... با بهای ارزاتر و شیوه آسانتر، از راه برچیدن واسطه گری است. بی آنکه از این مشارکت سودی بهره آنان گردد. ویژگی که شرکت تعاونی را از دیگر شرکتهای بازرگانی جدا می سازد و شاید برجسته ترین ناهمانندی میان آنها باشد و در جای خود گسترده تر به آن پرداخته خواهد شد.

چیستی شرکت سهامی

پس از آنچه به کوتاهی برای شناساندن شرکت تعاونی آورده شد اینک جستاری به انگیزه آشنا ساختن با سرشت شرکت سهامی در پی می آید. الف: تاریخچه - درباره پایه گذاری نخستین شرکت سهامی در جهان هم داستانی وجود ندارد. نویسنده دانشنامه The , Wikipedia Free encyclopedia-Joint stock comp (any, p2) نخستین پیشینه به دست آمده از شرکت سهامی در جهان را در زمان فرمانروایی دودمانهای تانگ و سونگ یعنی سده های پنجم تا دهم میلادی در چین می داند. در نوشته ای، خاستگاه شرکت سهامی در واپسین سالهای (قرون وسطی) در کشور ایتالیا پنداشته شده است. (The origin of the joint stock company, M. Schmitthoff, The university of Toronto law journal. Vol. 3, No.1 (1939) p74) از نگاه نویسنده ای هم، آغازین شرکت سهامی در جهان با نام مسکووی (Muscovy) بود که به سال ۱۵۵۳ میلادی با گرد آمدن چند بازرگان روسی راه اندازی گردید^۱ از کنار هم نهادن دیدگاه های یاد شده می توان به این برآیند رسید که شرکتهای سهامی دیرینگی بیش از دو سه سده دارند از آن جا که شرکتهای بازرگانی امروزی، با ویژگی که دارند و «شخصیت حقوقی» خوانده می شود. پیشینه ای در سرچشمه

1 . www.Adibnia.com

حقوق ایران (فقه) ندارند (جایگاه حقوقی مدیران شرکتهای سهامی در فقه، حقوق ایران و انگلستان- جواد نیک نژاد، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی. سال هفتم ش. ۲۵ پاییز ۱۳۹۰، پاورقی ص. ۱۷۲) از این روش شرکت سهامی نخستین بار برابر قانون تجارت روایی یافته ۲۵ دلو ۱۳۰۳، ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ خورشیدی، به سامانه حقوقی ایران راه یافت و واپسین قانون روایی یافته درباره آن لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ است. که به باور یکی از استادان حقوق تجارت هنوز جنبه «موقتی دارد»^۱.

ب- چستی شرکت سهامی - این شرکت که اگر نام آشناترین یا به نوشته یکی از حقوقدانان پر آوازه در پهنه حقوق تجارت^۲ «کامل ترین» شرکت بازرگانی نامیده شود سخنی به گزاف نیست. در گروه شرکتهای سرمایه که در آنها، نمود آورده، بیش از شخص سرمایه گذار است جای دارد. از ویژگی‌های این گونه شرکت‌ها آنکه واگذاری سهم به آسانی شدنی است سهم او به بازماندگان انتقال می‌یابد. بی هیچ گمان نهاد شرکت سهامی، همچون دیگر شرکتهای بازرگانی با سودآوری سرشته است. چرا که انگیزه پایه- گذاران از بنیاد نهادن آنها سوداگری گروهی است.^۳ با آنکه نام شرکت سهامی بیش از هر شرکت دیگری خواننده یا شنیده می‌شود و بسیاری از کنشگری‌های اقتصادی چه در پهنه دیوانی یا غیر دیوانی، در چهارچوب آن انجام می‌گیرد اما تعریفی که قانونگذار در ماده ۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت آورده است تنها چهره آشکار شرکت یاد شده را به ما می‌نمایاند و کمکی به شناخت چستی آن نمی‌کند و تلاش برای پاسخگویی به این پرسش که آیا شرکت سهامی جنبه قراردادی دارد یا تاسیسی؟ از سوی اندیشمندی باریک بین هم چندان پذیرفتنی نیست^۴. و حقوقدانانی نیز در ماده ۲ لایحه اصلاح پیش

۱. حقوق تجارت، شرکتهای تجاری، جلد دوم، دکتر ربیعا اسکینی پاورقی ص ۱۰

۲. حقوق تجارت جلد دوم دکتر حسن ستوده تهرانی نشر دادگستر ۱۳۷۵ ص ۱۳

۳. حقوق تجارت، شرکتهای تجاری، ج اول، دکتر ربیعا اسکینی، چاپ اول ۱۳۷۵ ص ۱۸

۴. همان جلد دوم، دکتر ربیعا اسکینی، ص ۱۳



گفته که شرکت سهامی را حتی اگر موضوع عملیات آن بازرگانی نباشد بازرگانی به شمار آورده است خرده گرفتند^۱ که در خور اندیشیدن است با این همه چون در این جستار، پایه بررسی بر هر آنچه هست استوار است و پرداختن گسترده تر به دیدگاه‌های نموده شده از سوی آگاهان حقوق بازرگانی درباره چیستی شرکت سهامی که بیشتر جنبه نظری دارد همخوان با انگیزه نگارش این نوشتار نیست. از این رو به همین اندک بسنده و ادامه مطلب پی گرفته می‌شود.

همانندی‌های شرکت تعاونی به شرکت سهامی

در مواد ۱۹۲ و ۱۹۴ قانون تجارت ۱۳۱۱ سازمان دادن شرکت تعاونی «مطابق اصول شرکت سهامی» روا دانسته شده است. بدین سان نخست در شانزدهم خرداد یک هزار و سیصد و پنجاه خورشیدی قانون شرکتهای تعاونی در ۱۴۹ ماده و به دنبال آن در بیست و چهارم شهریور ماه یک هزار و سیصد و هفتاد خورشیدی قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در ۷۱ ماده روایی یافته اند. برای نخستین بار در راه به کار بستن ماده ۵۱ واپسین قانون، آئین نامه‌ای هم بی تاریخ در ۳۱ ماده روایی یافت. با سنجش این دو قانون و لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت همانندی‌های زیر میان آنها آشکار می‌گردد. ۱- در هر دو شرکت سهامی و تعاونی مجمع عمومی بالاترین نهاد تصمیم‌گیری است. این جستار اگرچه به روشنی در مواد لایحه قانونی اصلاح سال ۱۳۴۷ نیامده است اما از درون مایه موادی همانند ماده ۸۶ درباره گستره تصمیم‌گیری مجمع عمومی عادی، ۸۳ درباره «صلاحیت» مجمع عمومی فوق العاده در زمینه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا در انحلال زودهنگام آن، ماده ۹۰ درباره وابسته شدن تقسیم سود و اندوخته به روایی یافتن از سوی مجمع عمومی (عادی)، می‌توان این نکته را دریافت کرد. افزون بر این در ماده ۳۰ قانون بخش تعاونی، آشکارا مجمع عمومی «بالاترین مرجع اتخاذ تصمیم و نظارت در امور شرکتهای تعاونی دانسته شده است» گفتنی است این همسانی به تعریف

(ماده ۷۲ لایحه قانونی و ماده ۳۰ قانون بخش تعاونی) گونه‌ها و شمارگان (ماده ۷۳ لایحه اصلاحی و مواد ۳۱ قانون شرکتهای تعاونی و ۲۹ قانون بخش تعاونی) و اندازه مورد نیاز برای برگزاری قانونی (مواد ۸۴ و ۸۷ لایحه قانونی و مواد ۳۴ و ۳۷ قانون شرکتهای تعاونی و تبصره ۱ ماده ۳۵ قانون بخش تعاونی) نهاد تصمیم‌گیری دو شرکت هم‌کشانیده شده است. ۲- گرداندن دو شرکت بر دوش نهادی همانند است که هیأت مدیره نام دارد و گزینش هموندان از سوی مجمع عمومی انجام می‌گیرد (ماده ۱۰۸ لایحه قانونی و مواد ۳۹ قانون شرکتهای تعاونی و تبصره ۱ ماده ۳۶ قانون بخش تعاونی) گماردن مدیر عامل هم در شرکت تعاونی همانند شرکت سهامی پیش‌بینی شده است. (ماده ۴۵ قانون شرکتهای تعاونی و ماده ۳۹ قانون بخش تعاونی) با این یادآوری که واژه «می‌تواند» به کار رفته در ماده ۴۵ قانون شرکتهای تعاونی، رساننده ناگزیر بودن هیأت مدیره در گماشتن مدیرعامل نبود. اما در ماده ۳۹ قانون بخش تعاونی این آزادی به تکلیف دگرگونی یافت. و هم اکنون بر پایه ماده یاد شده و نیز ماده ۱۲۴ لایحه، گماشتن مدیرعامل در هر دو شرکت، از بایسته‌های قانونی است. درباره ماده ۴۶ قانون شرکتهای تعاونی که با این سخن آغاز می‌شود: هیأت مدیره نماینده قانونی شرکت است و آنگاه در پایان می‌افزاید مسئولیت هیأت مدیره در مقابل شرکت مسئولیت وکیل در مقابل موکل است. باید گفت این ماده یادآور دیدگاه‌های دو گانه آگاهان حقوق در زمینه جایگاه قانونی هیأت مدیره است. که آیا به راستی هیأت مدیره در برابر شرکت باید مانند وکیل در برابر موکل پاسخگو باشند یا این نگاه باید در راستای واپسین دیدگاهی که از سوی دانشمندان حقوق نمایانده شده است و برابر آن سازمان گرداننده یا مدیران جزء سازمان شخص حقوقی انگاشته شده اند، دیگرگون شود. بی آنکه به یگانگی اراده شخص حقوقی و تصمیم‌گردانندگان (مدیران) آن بیش از اندازه پافشاری گردد. این بخش از آنجا آورده شد که گمان می‌رود چون در قانون بخش تعاونی، همتائی برای ماده ۴۶ یاد شده نیامده است با برداشت از ماده ۷۱ آن قانون (قانون بخش تعاونی) ماده ۴۶ همچنان ارجح خود را دارد و به کار بستنی است.



ماده ۵۰ قانون شرکتهای تعاونی نیز که نشان دهنده دوگانگی از شخص حقوقی با نمایندگی از شخص حقیقی است و دستور می‌دهد که پس از پایان «مدت مأموریت هیأت مدیره» تا برگزیده شدن جانشین «هیأت مدیره سابق» می‌باید همچنان «وظایف محوله» را انجام دهند و «مسئولیت اداره امور شرکت» را بر دوش خواهند داشت. همانند با ماده ۱۳۶ لایحه قانونی است که بر همان هنجار پای می‌فشارد. ماده ۴۹ قانون شرکتهای تعاونی نیز که گردانندگان شرکت را از برای زیان برخاسته از کارکردشان و پاس نداشتن قانون پاسخگو دانسته و دارای «مسئولیت مدنی» برای جبران آن شناخته با آنچه در ماده ۱۴۲ لایحه قانونی آمده، همانند است. ۳- نهاد دیگر همانند میان شرکت تعاونی و شرکت سهامی بازرسی است و در مواد ۵۴ تا ۵۹ قانون شرکتهای تعاونی و مواد ۴۰ تا ۴۲ قانون بخش تعاونی به نکته‌هایی پرداخته شده که کم و بیش همسان با موارد آمده در مواد ۱۴۴ تا ۱۵۶ لایحه اصلاحی است اگرچه در قانون شرکتهای تعاونی دستور این بود که بازرس یا بازرسان همانند شرکت سهامی (ماده ۱۴۴ لایحه قانونی) هر سال یک بار گزینش شوند اما قانون بخش تعاونی در ماده ۴۰، این زمان را به دو سال افزایش داده است. همچنین در ماده ۵۷ قانون شرکتهای تعاونی بازرسان برای کاری که انجام می‌دهند نباید پول با هر نام چه حقوق، دستمزد و یا پاداش دریافت دارند. اما در تبصره ۲ ماده ۴۰ قانون بخش تعاونی به مانند ماده ۱۵۵ لایحه اصلاح برای بازرس یا بازرسان «حق الزحمه» و حتی پاداش پیش بینی شده است. گفتنی است این همانندی به آنچه بر دوش بازرس یا بازرسان گذارده شده است بویژه در بند ۲ ماده ۴۰ قانون بخش تعاونی و ماده ۱۴۸ لایحه اصلاح در زمینه رسیدگی به حساب‌ها و دفاتر و اسناد صورتهای مالی چون ترازنامه و حساب‌های عملکرد و سود و زیان که مدیران برای گزارش به مجمع عمومی آماده می‌کنند و نمودن دیدگاه درباره درستی آنها، بند ۱ ماده ۵۵ شرکتهای تعاونی و ماده ۱۴۹ لایحه اصلاح درباره دادن حق بهره‌گیری از دیدگاه کارشناس در راستای انجام کار به بازرس یا بازرسان مواد ۵۸ قانون شرکتهای تعاونی و ۴۲ قانون بخش تعاونی و ماده ۱۵۱ لایحه قانونی اصلاح در این زمینه

که بازرس یا بازرسان باید هرگونه رویگردانی یا لغزش مدیران و مدیرعامل را به مجمع عمومی گزارش دهند نیز کشانیده شده است.

ناهماندنی‌های شرکت تعاونی و شرکت سهامی

۱- آشکارترین ناهمگونی شرکت تعاونی و شرکت سهامی «غیر انتفاعی» بودن سرشت شرکت تعاونی است. چه اصولاً یک شرکت بازرگانی با انگیزه به دست آوردن سود بنیاد نهاده می‌شود. این نکته را می‌توان از واژه بازرگانی در دنبال واژه شرکت و نیز آئین‌های بازتاب یافته در قانون تجارت درباره چنین شرکت‌هایی دریافت کرد. از این رو آورده شدن نام شرکت تعاونی در رده شرکت‌های بازرگانی، گواه راستین «بیرون از هنجار» است. زیرا همانگونه که پیشتر گفته شد اندیشه پایه گذاری شرکت تعاونی یعنی همکاری و همیاری برای بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی هموندان، هیچ سازگاری با سودخواهی ندارد و اگر خرده گرفته شود که در آئین‌های وابسته به شرکت تعاونی هم (تبصره ۱ ماده ۱۰ قانون شرکت‌های تعاونی، ماده ۲۵ قانون بخش تعاونی) درباره سود و بخش کردن آن سخن به میان آمده است پس غیرانتفاعی بودن شرکت تعاونی منتفی است در پاسخ باید گفت ۱- در شرکت‌های تعاونی سود دارای مرز است و نمی‌تواند و نباید از درصد شناخته شده‌ای بیرون باشد. ۲- بخش کردن مازاد برگشتی فراخور خرید هموندان از شرکت‌های تعاونی است افزون بر آن با نگرش به اینکه برابر ماده ۱ قانون مالیات‌های مستقیم اصل بر فراگیری مالیات بر هر درآمد به دست آمده از سوی هر شخص چه حقیقی یا حقوقی در کشور است ماده ۱۱۱ قانون شرکت‌های تعاونی دستور به بخشودگی شرکت‌های تعاونی نام برده شده در آن ماده از پرداخت مالیات داده است. ماده ۱۳۳ (اصلاحیه ۹۴/۴/۳۱) قانون مالیات‌های مستقیم نیز «صد درصد» درآمد سازمان‌هایی از جمله شرکت‌های تعاون روستایی، عشایری، کشاورزی، صیادان، کارگری، کارمندی، دانشجویان و دانش آموزان و اتحادیه‌های آنها را بخشوده از پرداخت مالیات شناخته و این بخشودگی‌ها برابر بخشنامه شماره ۶۷-۹۳-۲۰۰-۹۳/۶/۲۴ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور استوار گردیده است



۱. از سوی تبصره ۶ الحاقی ۸۷/۳/۲۵ قانون مالیاتهای مستقیم ۲۵٪ نرخ مالیات موضوع آن ماده را درباره «درآمد مشمول مالیات» ابرازی شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی متعارف و ... کاسته است که جای پرسش دارد با نگاه به فراگیری یاد شده، این کاهش و بخشش آیا انگیزه‌ای به جز «غیر انتفاعی» بودن شرکت‌های تعاونی می‌تواند داشته باشد؟^۲ دومین ناهمانندی شرکت تعاونی با شرکت سهامی، زیرنگاه دستگاه فرمانروایی بودن شرکت تعاونی است. در نخستین قانون فراگیر روایی یافته درباره شرکت تعاونی یعنی قانون شرکتهای تعاونی ۱۳۵۰، با برداشت از ماده ۲۳ آن قانون، پذیرنده درخواست ثبت شرکت تعاونی، وزارت تعاون و امور روستاها است. نشانی از پایش دیوانی بر اینگونه شرکت از آغاز داستان، که در رویدادهای سراسر زندگی این نهاد، از جمله فراخوان برای برگزاری مجمع عمومی (بند ۳ ماده ۲۶) رساندن اعتراض هموند بیرون شده از شرکت به مجمع عمومی (تبصره بند ۸ ماده ۳۳) دستگاه رسیده کننده به درخواست «هر ذیحق» پس از برگزار نشدن مجمع عمومی با دومین فراخوان، برای برچیدن شرکت (ماده ۳۴ و ...) ادامه دارد و این در آمدن در کار شرکت تعاونی تا جایی گسترش می‌یابد که وزارت تعاون و امور روستاها برابر تبصره ماده ۱۲۰ قانون یاد شده می‌تواند به جانشینی مجمع عمومی فوق العاده، به زندگی شرکت پایان دهد و هیأت تصفیه بگمارد و این رویداد را به آگاهی ثبت محل برساند. و در قانون تازه روایی یافته بخش تعاونی هم وارون آنچه در ماده ۳ آن وانمود گردیده، برابر درون مایه ماده ۱۷، تبصره ۱ و ۲ ماده ۳۰ بند ۵ ماده ۵۴ (درباره برچیدگی شرکت تعاونی) و مواد ۵۷، ۶۳، ۶۵، ۶۸ و ۶۹ بیشتر بر این پایش پای فشرده شده است و این در حالی است که در پاره‌ای از کشورهای جهان مانند لهستان برای جداسازی دستگاه فرمانروایی از جنبش تعاونی «اقدامات ریشه‌ای» در چهارچوب برچیدن همه اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی سیاست زده و آغاز دوباره از بن آنها انجام گرفته است و آزموده‌ها نشان از آن دارد که پشتیبانی دستگاه فرمانروایی از شرکتهای تعاونی روی هم

رفته خشنود کننده نبوده است^۱، ناگفته نماند همانگونه که پیشتر آمد اصل ۴۴ قانون اساسی با دسته بندی کردن پایه‌های «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران» به ۳ بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، به راستی شرکتهای تعاونی را از بخش خصوصی جدا ساخته است. در برابر شرکت سهامی از آشناترین و نمایان ترین نمادهای بخش خصوصی است که پس از به پایان رسیدن آئین‌های ثبت آن در نهاد ثبت شرکت‌ها، دستگاه‌های فرمانروایی، پایشی بر آن ندارد. ۳- اگرچه رکن‌های تصمیم گیرنده و گردانندگی شرکت تعاونی از نگاه ساختاری همگون با شرکت سهامی دیده می‌شود و روی هم رفته مجمع عمومی آن مانند مجمع عمومی شرکت سهامی بالاترین دستگاه تصمیم گیرنده و هیأت مدیره آن مانند هیأت مدیره شرکت سهامی گرداننده شرکت است. اما اولاً بر «وظایف اختیارات» رکن تصمیم گیرنده شرکت تعاونی افزون بر آنچه رکن همتای آن در شرکت سهامی بر دوش دارد مواردی افزوده شده است همچنین درباره افزایش یا کاهش سرمایه که در شرکت سهامی با مجمع عمومی فوق العاده است. (ماده ۸۳ لایحه اصلاح) در شرکت تعاونی تصمیم گیری درباره آن بر دوش مجمع عمومی عادی نهاده شده (بند ۴ ماده ۳۴ قانون بخش تعاونی)، از سویی گرفتن تصمیم در زمینه برکناری یا پذیرش کناره گیری هیأت مدیره برابر ماده ۳۵ قانون بخش تعاونی با مجمع عمومی فوق العاده است. و اما در شرکت سهامی برای روشن ساختن چهارچوب آنچه رکن گردانندگی باید انجام دهد تنها با آوردن یک ماده (۱۱۸ لایحه اصلاح) با این درون مایه که: «جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم به اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت (سهامی) دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند...» بسنده شده است اما ماده ۳۷ قانون بخش تعاونی، هر یک از وظایف اختیارات هیأت مدیره شرکت تعاونی را در ۱۰ بند برشمرده است. ۴- اگرچه از کنار هم نهادن بند ۲ ماده ۱ قانون شرکتهای تعاونی و ماده ۲۴ لایحه اصلاح این برآیند به دست می‌آید که در

۱. پیشرفت و توسعه تعاونی‌ها ماخذ: سازمان بین المللی کار (ILO) مترجم اصغر بیات، وزارت تعان، معاونت



هر دو شرکت تعاونی و سهامی سرمایه به برگه‌های بهاداری به نام سهم که همه ارزش برابر دارند بخش می‌شود اما میان برگ سهم شرکت تعاونی و برگ سهم شرکت سهامی این ناهمانندی‌ها را می‌توان دید. ۱- ارزش اسمی سهم شرکت تعاونی با ارزش بازار آن همواره یکسان است. ۲- سهام شرکت تعاونی همیشه با نام هستند. ۳- درحالی که حق رای سهامداران در شرکت سهامی، از اصل نسبت پیروی می‌کند یعنی هر کس دارای سهم بیشتری از سهام شرکت باشد از حق رای بیشتری برخوردار است.^۱ در شرکت تعاونی این حق پیرو اصل اطلاق است و با نگرش به عبارت پایانی ماده ۷ قانون شرکت‌های تعاونی هر سهامدار شرکت تعاونی بی‌نگاه به شمار سهامی که دارد تنها دارای یک حق رای است. واپسین نکته گفتنی آن که هرچند شرکت تعاونی به گونه بازتاب یافته در این نوشته همانندی‌هایی با شرکت سهامی دارد اما پدیده‌ای است ناهمسان با شرکت‌های بازرگانی دیگر و به زبانی تافته‌ای جدا بافته از آنها.

منابع

- ۱- حقوق تجارت، شرکتهای تجاری، جلد اول، دکتر ربیعا اسکینی، چاپ اول ۱۳۷۵
- ۲- حقوق تجارت، شرکتهای تجاری جلد دوم، دکتر ربیعا اسکینی ۱۳۷۷، چاپ نشر لیلی
- ۳- جامعه شناسی تعاون، مهدی اختر محقق، ناشر مؤلف ۱۳۸۵
- ۴- پیشرفت و توسعه تعاونی‌ها مأخذ: سازمان بین المللی کار (ILO) مترجم اصغر بیات، وزارت تعاون، معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج، دفتر آموزش تهران ۱۳۸۳
- ۵- تعاونی به زبان ساده، حمداله رستمی شهر بابکی، نشر فرهنگ دهخدا
- ۶- حقوق تجارت، جلد سوم، شرکتهای تعاونی، حمید فروحی، انتشارات روزبهان، ۱۳۷۴
- ۷- حقوق تجارت، جلد دوم، دکتر حسن ستوده تهرانی، نشر دادگستر، ۱۳۷۵
- ۸- حقوق تجارت در نظم حقوقی کنونی، دکتر محمد دمرچیلی، دکتر علی حاتمی و محسن قرانی، چاپ چهارم بی تا

۱. همان حقوق تجارت ج دوم دکتر ربیعا اسکینی، ص. ۸۴

۹- قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، دکتر ناصر کاتوزیان، چاپ ششم، انتشارات شرکت

سهامی انتشار، ۱۳۸۳

۱۰- فصل نامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۵، پائیز ۱۳۹۰، جایگاه

حقوقی مدیران شرکتهای سهامی در فقه، حقوق ایران و انگلستان- جواد نیک نژاد

منابع لاتین

- 1- History of cooperative movement, Wikipedia the free encyclopedia
- 2- Wikipedia, the free encyclopedia-joint stock company
- 3- The university of Toronto law journal, the origin of the joint stock company, Schmittoff, vol.3, No.1 (1939)

پایگاه اینترنتی:

